

# توهمی به نام جبهه مقاومت ملی افغانستان

در باره ملاقات سران جبهه و طالبان در تهران

سیامک بهاری

ملاقات احمد مسعود و محمد اسماعیل خان رهبران "جبهه مقاومت ملی افغانستان" با مولوی امیر متقی سرپرست امور خارجه طالبان، به میانجیگری سپاه قدس در تهران، حاشیه‌های این ملاقات، تأیید و تکذیب‌ها و تناقض در اظهار نظرها از هر سه طرف نشان می‌دهد که حقیقتی بزرگ در حال کتمان و لاپوشانی است.

پیش از هر چیز نفس این ملاقات با ادعاهای ضد طالبانی رهبران جبهه مقاومت در تناقض است. به همین سبب بیشتر از هر وقت دیگر حقانیت مبارزاتی و اعتبار و وجهه سیاسی "جبهه مقاومت" علیه طالبان، به رهبری احمد مسعود مورد تردید قرار گرفته است.

جبهه احمد مسعود، علیرغم تبلیغات و هیاهو و کاریزما سازی پوپولیستی در مقابله با طالبان، اما همان روش و مناسبات احزاب جهادی را در زد و بندهای سیاسی پیش گرفته است. تلاش برای توافق با طالبان و هیاهو علیه آن. صبغت‌الله احمدی، سخنگوی جبهه مقاومت ملی افغانستان ابتدا هر نوع نشست با طالبان در تهران را تکذیب می‌کند. اما سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، سپس وزیر امور خارجه طالبان این نشست را علنی می‌کنند. اگر این افشاگری از سوی طرف‌های مقابل نبود، سران جبهه مهر سکوت بر لب، محرمانه همین مذاکرات را ادامه می‌دادند تا به نتیجه‌ای برسد و دستشان در حکومت امارت اسلامی به جایی

بند شود!

حزب جمعیت اسلامی جناح ربانی به عنوان هسته اصلی سیاسی جبهه مقاومت در افغانستان، به پینش و بنیان‌های فکری و حکومتی طالبان نزدیک‌تر است. طالبان با یک جریانات اخوانی روبروست که علی‌رغم مقاومت و تمرد، می‌تواند با آنان به سازش برسد و در خود حل کند. جبهه‌ای اخوانی که نه سکولاریسم و مدرنیسم، نه جدایی دین از دولت، نه برابری زن و مرد، نه حقوق شهروندی برای کل جامعه را هرگز نه تنها نمایندگی نکرده که تاریخاً و عملاً در مقابل آن صف‌آرایی کرده است و بخشی از هویت نهادینه آن است، به طالبان نزدیکی بیشتری دارد و قابل مذاکره و

مصالحه است.

## اولویت طالبان

طالبان برای خروج از انزوای جهانی و به رسمیت شناخته شدن در روابط بین‌المللی در تلاش است. اما این عاجل‌ترین اولویت آنها نیست. روابط دوفاکتو و مناسبات متقابل با روسیه، چین، پاکستان، جمهوری اسلامی ایران، ازبکستان و تاجیکستان و برخی حکام دولت‌های عربی، سکان تعادل نسبی برای آنان ایجاد کرده است. بیش از همه روسیه به تکیه‌گاهی مهم و قابل اعتماد برای طالبان بدل شده است.

اولویت درجه اول طالبان حفظ امارت اسلامی و تسلط بلامنازع، کم هزینه و دراز مدت خود در افغانستان است. مقاومت حزب جمعیت اسلامی و باقی مانده شورای نظار بر متن بحران فلج کننده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کنونی تحت نام جبهه مقاومت ملی افغانستان امکان گسترش سراسری آن در مقابله با امارت اسلامی، را طالبان می خواهد خنثی کند. خطر سر به شورش برداشتن مردم جدی است.

قحطی و گرسنگی، فقر و فلاکت بی سابقه، بیکاری و ورشکستگی، آوارگی و فرار از کشور و عدم امکان اداره جامعه، تنفر عمومی از سلطه طالبان برکشور، عرصه را بر طالبان تنگ کرده و قدرت اداره امور را دارد از آنها

می‌گیرد. هیچ سیاست و راه‌حلی برای بیرون رفتن از گردابی که جامعه را می‌بلعد در دست ندارند. سرکوب‌خشن و وحشیانه، نتوانسته مردم را مرعوب و ساکت کند. هر چه بیشتر از حاکمیت آنها می‌گذرد، ضعف و ناتوانی آنها در اداره امور جاری کشور علنی‌تر می‌شود.

علیرغم تبلیغات ناسیونالیستی و تکیه بر افغانیت توسط طالبان، اما جامعه، طالبان را نیرویی اشغالگر می‌بیند و علیه آن دست به مقاومت می‌زند. جبهه‌ای که زنان شجاع و جسور در خیابانهای کابل و هرات گشودند اینک در سراسر کشور گسترش یافته است و طالبان عاجز از مقابله با آن است. زنانی که این نیروی تروریستی و وحشی و همه‌توان جنایت

و سببیت آن را در خیابانها به چالش می کشند.  
خود به ناجی کل جامعه بدل شده اند.

## پاسخ مماشات با طالبان

هر درجه از تحلیل اوضاع با هر درجه از دقت و  
تعمق، اگر به دخالتگری برای تغییرات بنیادی  
بدل نشود صرفاً در همان حد تحلیل باقی  
خواهد ماند. جامعه‌ای در حال سوختن است!  
هر نیرویی، با هر درجه از توان در صدد خاموش  
کردن و نجات آن باشد، آن نیرو ناجی صحنه  
است!

علیرغم بازگشت طالبان، علیرغم همه تبعات  
وحشتبار آن، اما فرصتی استثنایی و تاریخی در



مقابل نیروهای سوسیالیست و مترقی گشوده شده است. جامعه‌ای زخم خورده که می‌خواهد خود را از قید طالب و احزاب جهادی، از زد و بندهای سیاسی و راه‌حل‌های قومی و قبیله‌ای خلاص کند! در خیابان این فریاد را به گوش جهانیان می‌رساند و می‌خواهد خود را سازمان بدهد تا بتواند از زندگی و حرمت خود دفاع کند، با همه این هیبت فقر و فساد مقابله کند.

این فوریت تاریخی نباید بی‌پاسخ بماند تا در غیاب آن جبهه‌های قلابی و باسمه‌ای با اتکا به توهمات رایج خود را ناجی این دوران تاریخی کنند و منافع مردم را در پای جنبش‌های ارتجاعی و پوسیده قربانی کنند.

این پرچم را فقط جریانات سوسیالیست، آزادیخواه، برابری طلب، مدرن و سکولار می‌توانند به احتزاز در بیاورند و این نفرت عظیم از طالبان را به اعتراضی سراسری بدل کنند. این نیروهای سیاسی تا ابد فرصت ندارند و نمی‌توانند غایب غیر موجه صحنه مبارزه باشند.

صف‌آرایی اسلام سیاسی از تنظیم‌های جهادی مستأصل تا طالبان در قدرت، از دست دراز شده جمهوری ایران و سایر دول مرتجع، تا استراتژی دراز مدت روسیه و چین در منطقه، همه و همه با عروج یک نیروی سوسیالیست و دخالتگر که قصد و عزم دارد جامعه را سازمان بدهد و با خود همراه کند، که آزادی

و برابری، سکولاریسم و مدنیت را نمایندگی  
می‌کند، نسل نوین معترض و همه مردمی را  
که از فساد و فلاکت به جان آمده‌اند را متحد  
و پیروز خواهد کرد. این سکوی پرش امروز  
برای این نیرو آماده است.

۱۳ ژانویه ۲۰۲۲

**وب سایت:**

**www.wpiran.org**

**تماس با حزب:**

پیامگیر تلگرام: **wpi\_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

**۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵**

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام